



Analysis of the Structural and Content Relationships between Mahdist Doctrines and the Transcendental Stories of Surah Al-Kahf

Parivash Alizadeh¹

Dr. Aziz Alizadeh Salteh²

Roqayyeh Dorosti³

Abstract

This research conducts a comparative and analytical study of the deep relationships between the teachings of Mahdism in Islamic thought - especially Shiite - and the transcendental stories of Surah Al-Kahf (the Companions of the Cave, Moses and Khidr, peace be upon them, Dhul-Qarnayn). Using a descriptive-analytical method and relying on interpretive, narrative, and theological sources, it argues that Surah Al-Kahf not only contains previews and symbolic models for the era of occultation and reappearance, but also its structure and content provide a Quranic framework for understanding the key concepts of Mahdism. The findings show that concepts such as long "occupation", "active waiting" and maintaining faith during the period of sedition, "special divine guidance" during the occultation, the fight against the tyrant and arrogance, and the savior's appearance are explained in this surah in a mysterious and exemplary manner. The result is that Surah Al-Kahf acts as a "Quranic paradigm" and, by presenting narratives that are consistent with the period of occultation and appearance, is both an explanation of Mahdist teachings and a source for extracting behavioral standards for the waiting society and explaining the historical philosophy of waiting for the return. This reading reveals the semantic richness of Surah Al-Kahf and reveals new dimensions of the indissoluble bond between the Quran and the progeny in Islamic thought.

Keywords: Surah Al-Kahf, Mahdism, structural relations between the Quran and the progeny, supernatural stories

-
1. PhD student in Nahjul-Balagha Sciences and Education, South Tehran Branch, Payam Noor University, Tehran, Iran(Corresponding author)(palizadehptf@gmail.com)
 2. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran(alizadehsalteh@iau.ac.ir) Orcid; 0000-0002-7250-4043
 3. Graduate of Al-Zahra Seminary, Khoy, Iran



ISSN:2588-3291

عصر آدینه

دوفصل نامه علمی-پژوهشی
ویژه هنر موعود
سال هجدهم - شماره چهل و دوم
پائیز و زمستان ۱۴۰۴

تحلیل روابط ساختاری و محتوایی آموزه‌های مهدوی و قصه‌های ماورائی سوره کهف*

پریوش علیزاده^۱

عزیز علی زاده سألطه^۲

رقیه درستی^۳

چکیده

این پژوهش به بررسی تطبیقی و تحلیلی روابط عمیق میان آموزه‌های مهدویت در اندیشه اسلامی - به ویژه شیعی - و قصه‌های ماورائی سوره کهف (اصحاب کهف، موسی علیه السلام، خضر علیه السلام و ذوالقرنین) پرداخته، با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکاء به منابع تفسیری، روایی و کلامی، استدلال می‌کند که سوره کهف نه تنها حاوی پیش‌نمایش‌ها والگوهایی نمادین برای عصر غیبت و ظهور است، بلکه ساختار و مضامین آن، چهارچوبی قرآنی برای درک مفاهیم کلیدی مهدویت فراهم می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مفاهیمی همچون «غیبت» طولانی، «انتظار فعال» و حفظ ایمان در دوران فتنه‌ها، «هدایت ویژه الهی» در دوران غیبت، مبارزه با طاغوت و استکبار و ظهور نجات‌بخش به شکلی رمزآلود و الگوساز در این سوره تبیین شده‌اند. نتیجه این که سوره کهف به مثابه یک «پارادایم قرآنی» عمل کرده و با ارائه روایت‌های هم‌ریخت با دوران غیبت و ظهور، هم تبیین‌گر آموزه‌های مهدوی است و هم منبعی برای استخراج معیارهای رفتاری جامعه منتظر و تبیین فلسفه تاریخی انتظار فرج محسوب می‌شود. این قرائت، غنای معنایی سوره کهف را آشکار کرده و ابعاد جدیدی از پیوند ناگسستنی قرآن و عترت در اندیشه اسلامی را نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی

سوره کهف، مهدویت، روابط ساختاری قرآن و عترت، قصه‌های ماورائی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۷

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم و معارف نهج البلاغه واحد تهران جنوب، دانشگاه پیام نور تهران، ایران (نویسنده مسئول)
(palizadehptf@gmail.com)

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی خوی، ایران (alizadehsalteh@iau.ac.ir)
Orcid: 0000-0002-7250-4043

۳. دانش‌آموخته حوزه علمیّه الزهراء علیه السلام خوی، ایران.

اندیشه مهدویت، به عنوان باوری بنیادین در کلام اسلامی به ویژه مکتب تشیع، از جایگاهی محوری در منظومه فکری و انتظاری مسلمانان برخوردار است. این آموزه، صرفاً یک پیشگویی آینده‌نگرانه نیست، بلکه ساختاری پیچیده متشکل از مفاهیمی چون غیبت، انتظار، فتنه‌های آخرالزمان، ظهور منجی، عدالت جهانی و پیروزی نهایی حق بر باطل است. در این میان قرآن کریم به عنوان منبع اصیل اسلامی، همواره کانون استنباط و استناد برای تبیین معارف دینی، از جمله مهدویت، بوده است. سوره کهف، با محوریت سه داستان تمثیلی - تاریخی پرمهر و راز (اصحاب کهف، موسی، خضر و ذوالقرنین)، همواره مورد توجه خاص مفسران و عالمان مهدوی پژوه قرار گرفته است. روایات متعددی از معصومین علیهم‌السلام نیز بر ارتباط ویژه این سوره با آخرالزمان و حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دلالت دارد. مسئله اساسی در این نوشتار این است که چه روابط ساختاری و محتوایی میان آموزه‌های مهدوی و داستان‌های سوره کهف وجود داشته و این سوره چگونه به عنوان چارچوبی قرآنی برای تبیین و درک عمیق‌تر مفاهیم مهدویت عمل می‌کند؟

درباره داستان‌های سوره کهف و همچنین آموزه مهدویت در تفاسیر و کتب مختلف بحث‌های فراوانی شده است که می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد: دسته‌ای به تفسیر اجزای سوره کهف و اشارات پراکنده روایی به ارتباط آن با آخرالزمان پرداخته‌اند (مانند تفاسیر المیزان، نمونه، نور الثقلین). دسته‌ای دیگر به طور مستقل به تبیین آموزه مهدویت از منظر قرآن اهتمام ورزیده‌اند (مانند کتاب الغیة طوسی که به تحلیل داستان خضر به مثابه «نموذج حیات غیبی» پرداخته است یا کتاب مکیال المکارم موسوی اصفهانی که به سوره کهف به عنوان «منشور انتظار» توجه کرده است). برخی مطالعات تطبیقی محدود نیز به بررسی یکی از داستان‌های سوره (مثلاً اصحاب کهف یا ذوالقرنین) و ارتباط آن با مهدویت پرداخته‌اند (مانند مقاله «تحلیل روایی تطبیقی داستان اصحاب کهف با غیبت امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف»، نوشته سید محمد موسوی و فاطمه حسینی که به تطبیق خواب اصحاب کهف با غیبت صغری و کبری پرداخته است). در زیر به تعدادی از اینها اشاره می‌کنیم:

- کتاب کمال الدین و تمام النعمه، نوشته شیخ صدوق، تصحیح علی اکبر غفاری،

تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، سال ۱۳۹۵ق. وی در این کتاب به موضوع غیبت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پردازد و نمونه‌های فراوانی از غیبت پیامبران الهی را آورده و به بررسی کامل امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، تولد، روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام درباره ظهور آن حضرت و غیره پرداخته است.

- کتاب *العقیری الحسان*، نوشته علی اکبر نهانودی، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸ش. نویسنده در این کتاب در ذکر فضائل و مناقب امام به آیات قرآن و احادیث در بشارت ظهور امام، مدح انتظار فرج، علائم ظهور، غیبت و رفع شبهات درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداخته است.

- پایان نامه «تفسیر تطبیقی بخش اول آیات ۵۹-۱ سوره کهف از اهم تفاسیر فریقین»، نوشته روح الله بهمنی مهد.

- پایان نامه «تحلیل داستان حضرت موسی و خضر علیه السلام»، نوشته مینا حسینی.
- مقاله «تحلیل روایی تطبیقی داستان اصحاب کهف با غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف»، نویسندگان: سید محمد موسوی، فاطمه حسینی، فصل نامه علمی پژوهشی تفسیر پژوهی، سال ۸، شماره ۱۵، ۱۴۰۰، صص ۷۶-۱۰۱.

- مقاله «نشانه‌شناسی سوره کهف در پرتو گفتمان مهدویت»، نویسنده: علی اکبر راشدی، فصل نامه پژوهش‌های مهدوی، سال ۱۰، شماره ۳۷، ۱۳۹۹، صص ۳۱-۵۸.
- مقاله «تبیین الگوی انتظار در سوره کهف با تأکید بر داستان خضر علیه السلام»، نویسندگان: محسن قاسم‌پور، زهرا احمدی، مجله علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، دوره ۴۵، شماره ۹۱، ۱۳۹۸، صص ۱۲۳-۱۴۷.

- مقاله «بررسی نقاط اتصال و اشتراک داستان‌های سوره کهف»، نویسندگان: ابراهیم ابراهیمی و مجید زیدی جودکی، فصل نامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال ششم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷.

- مقاله «سورة الكهف وعلاقتها بعصر الغيبة عند الإمامية»، نویسنده: حسن کاظم البکاء، مجله دراسات اسلامية معاصرة (لبنان)، السنة ۱۳، العدد ۲۸، ۲۰۲۱، صص ۸۹-۱۱۴.
- مقاله «عناصر روایی داستان اصحاب کهف»، نوشته محمدرضا حاج بابایی، فصل نامه پژوهشنامه معارف قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۹، سال پنجم، ۱۳۹۲.
- مقاله «بازکاوی معناشناختی و تحلیل گستره مفهومی غیبت در آموزه مهدویت»،

نوشته خدامراد سلیمیان، مجله انتظار موعود، ش ۸۷، سال ۱۴۰۳.

- مقاله «تحلیل عناصر داستان موسی و عبد در سوره کهف»، نوشته علی نظری، مجله مشکوه، ش ۹۱، سال ۱۳۸۶.

- مقاله «رمزية قصة ذی القرنین فی الفکر المهدوی الشیعی»، نویسنده: عبدالهادی الفضلی، مجله المرجع (النجف الأشرف)، العدد ۴۲، ۲۰۱۹، ص ۱۵۷-۱۸۲. و غیره. با این وجود، خلأ یک پژوهش جامع و نظام مند که به صورت هم زمان و تطبیقی، کلیت ساختار هر سه داستان اصلی سوره کهف را در پیوند با تمامی ابعاد آموزه مهدویت (غیبت، انتظار، رجعت، ظهور، حکومت) مورد تحلیل قرار دهد، به وضوح احساس می شود. این پژوهش در صدد پر کردن این خلأ و ارائه تحلیلی یکپارچه از این ارتباط ژرف است که در آن به کشف و تبیین شبکه پیچیده روابط مفهومی و ساختاری میان آموزه های مهدوی و داستان های سوره کهف توجه می شود. به عبارت دیگر؛ تحلیل نشانه های مهدوی در هر یک از داستان های اصحاب کهف، موسی و خضر، ذوالقرنین، بررسی تطبیقی مفاهیم محوری مهدویت از قبیل غیبت، انتظار، فتنه، هدایت خاص، ظهور، عدالت با مضامین اصلی سوره کهف و نیز تبیین چگونگی عملکرد سوره کهف به عنوان «الگو» یا «پارادایم قرآنی» برای دوران غیبت و ظهور از اهداف مشخص این نوشته اند. فرض در این نوشته این است که قصه های سوره کهف شباهت هایی با آموزه های مهدوی دارند. با این پیش فرض که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به اذن خداوند زنده بوده و در پرده غیبت است و روزی از پرده غیبت بیرون خواهد آمد. حضرت خضر علیه السلام براساس روایات مختلف نیز زنده بوده و در زمان ظهور ایشان را یاری خواهد کرد. بر این اساس مباحث خود را در چند محور به ترتیب: تبیین آموزه های مهدوی در اسلام، سوره کهف و آموزه های مهدوی موجود در آن و بررسی میزان شباهت شخصیت های مطرح شده در سوره کهف با بحث مهدویت آورده ایم.

آموزه های مهدوی در اسلام

غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

یکی از آموزه های دین اسلام و مذهب تشیع، غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. در مورد معنای غیبت و اطلاق آن بر حضرت مهدی علیه السلام سه معنا را می توان از روایات ائمه

معصومین علیهم‌السلام و غیره به دست آورد.

۱. پنهان بودن جسم (ناپیدایی): به این معنا که حضرت مهدی علیه‌السلام در میان مردم، رفت و آمد می‌کند؛ اما مردم ایشان را نمی‌بینند. همان‌طور که در روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام آمده است» (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۱۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ص ۲۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴، ص ۱۷).

۲. پنهان بودن عنوان (ناشناسی): براساس این معنا از غیبت، آن حضرت در میان مردم رفت و آمد می‌کند و مردم را می‌بینند و مردم نیز ایشان را می‌بینند ولی نمی‌شناسند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۵۵۱؛ سلیمیان، ۱۳۸۵: ص ۶۹).

۳. پنهان بودن جسم و پنهان بودن عنوان به تناسب شرایط: یعنی خداوند متعال قدرت و اختیاراتی بر حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف عنایت کرده است که در مواردی که لازم می‌داند از چشم مردم پنهان می‌شود و در مواردی دیگر از نظر معرفت مردم مستور می‌باشد، به طوری که حضرت را ببینند ولی نشناسند.

اقسام غیبت آن حضرت

حضرت مهدی علیه‌السلام در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری دیده به جهان گشود و به جهت خفقان، دوران جنینی و تولد آن حضرت از مردم پنهان شد. و فقط افراد نزدیک اطلاع یافتند و اصحاب نزدیک امام یازدهم توفیق دیدار حضرت حجت علیه‌السلام را پیدا کردند. براساس شرایط یاد شده خواست الهی بر آن بود تا به صورت پنهانی زندگی خویش را آغاز نماید (نهایندی، ۱۳۸۶: ص ۴۳۶). و این تولد مخفیانه، زمینه غیبتی شد که تا الآن ادامه دارد؛ غیبتی کوتاه مدت و طولانی مدت که در روایات نیز بدان تصریح شده است (ر.ک: سلیمیان، ۱۳۸۸: ص ۳۲۳).

الف) غیبت صغری

در مورد زمان شروع غیبت صغری برخی می‌گویند از زمان تولد حضرت مهدی علیه‌السلام یعنی از سال ۲۵۵ تا ۳۲۹ ه.ق است. برخی دیگر می‌گویند بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ ه.ق است (اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص ۱۷۳). با شروع غیبت صغری ارتباط مردم با ایشان محدود شد و تنها عده کمی از افراد موفق به دیدن امام مهدی علیه‌السلام می‌شدند. البته در این دوره ارتباط با امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف راحت‌تر بود.

ب) غیبت کبری

با پایان یافتن عمر آخرین نائب خاص حضرت صاحب‌الامر علیه السلام دوران غیبت صغری نیز به پایان رسید و غیبت کبری شروع شد و تا زمان ظهور حضرت نیز ادامه خواهد داشت. شرایط در این دوره سخت‌تر از دوره قبل است؛ زیرا در این دوره ارتباط با حضرت، کلاً قطع شده و کسی ایشان را نمی‌بیند و اگر هم ببیند، نمی‌شناسد. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

قائم ما غیبت طولانی خواهد داشت، شیعیان را چنان می‌بینم که برای پیدا کردن او دشت و دمن را زیر پا گذارده ولی او را پیدا نکنند. بدانید آن‌ها که در غیبت وی در دین خویش ثابت بمانند و در طول مدّت غیبتش منکر وی نشوند روز قیامت با من خواهند بود (موسوی نسب، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۳۲).

در این مدت حضرت صاحب‌الامر علیه السلام مردم را می‌بیند ولی مردم ایشان را نمی‌بینند. براساس روایاتی که در منابع معتبر وجود دارد؛ در زمان غیبت کبری هم عده‌ای با آن حضرت ارتباط دارند. و تنها عده کمی از افراد از مکان ایشان با خبر هستند. بنابراین غیبت حضرت مهدی علیه السلام یکی از آموزه‌های مهدوی در اسلام است، که در دو مرحله اتفاق افتاده است.

ظهور

ظهور در لغت به معنی «آشکار شدن چیز پنهان است» (سلیمیان، ۱۳۸۸: ص ۲۹۹). این واژه دارای سه معنای متفاوت است که هر سه مورد، درباره حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف صادق است: ۱. آشکار شدن و بیرون آمدن از حجاب و استتار؛ ۲. اعلام انقلاب براساس ادبیات سیاسی جدید و یا قیام به شمشیر، طبق ادبیات سیاسی قدیم، به گونه‌ای که آن حضرت بزرگ‌ترین انقلابی جهان بر ضد ظلم و جور خواهد بود (قنبری، ۱۳۸۵: ص ۹۱)؛ ۳. مقصود از ظهور، پیروزی و سیطره بر عالم است. این معنا بعد از آن حاصل می‌شود که حضرت از پرده غیبت به درآمده و امور او مرتّب گردد (رضوانی، ۱۳۸۸: ص ۵۵۳).

شرایط ظهور

هر اتفاق مهم و با ارزشی برای این‌که به وقوع بپیوندد، باید مراحل و شرایطی مهیا باشد تا آن امر تحقق یابد. مسئله ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز از اموری است که نیازمند شرایطی است. از این امر با عنوان شرایط ظهور نام برده می‌شود که در اصطلاح مهدویت

عبارتند از: «زمینه‌هایی که تحقق ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام را قطعیت بخشیده، آن را امری منطقی و لازم می‌نمایانند» (سلیمیان، ۱۳۸۵: ص. ۲۲۳). از جمله شرایطی که برای این امر مهم لازم است عبارتند از: ۱. وجود رهبر جهانی؛ ۲. برنامه و استراتژی حرکت و حکومت؛ ۳. یاوران؛ ۴. پذیرش جهانی (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸: ص. ۱۶۷). اگر شرایط ظهور محقق نشود، امر ظهور نیز تحقق نخواهد داشت.

علائم ظهور

برای این که مردم از نزدیک شدن زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام با خبر شوند؛ قبل از ظهور، علائم و نشانه‌هایی وجود خواهد داشت؛ تا مردم در ظهور و قیام حضرت، دچار تردید نگردند و خود حضرت نیز از ظهور خویش، آگاهی یابد. این علائم عبارتند از: ۱. علائم خاص؛ علامت‌هایی که خاص و مختص آن حضرت است و حضرت بدان وسیله می‌داند که خداوند او را اذن و اجازه‌ی ظهور داده است (رضوی، ۱۳۸۴: ص. ۱۲۸)؛ ۲. علائم عام؛ «علامت‌هایی هستند که جنبه‌ی عمومی دارند و برای مردم ظاهر خواهند شد و هرکس از عوام و خواص، در طول زندگی خود، برخی از آن‌ها را خواهد دید» (رضوی، ۱۳۸۴: ص. ۱۲۸). این علامت‌ها بسیارند. از قبیل خروج سفیانی، گرفتن خورشید در نیمه‌ی ماه مبارک رمضان و... (رضوی، ۱۳۸۴: ص. ۱۳۰).

علائم عام ظهور هم به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱. علائم حتمی؛ نشانه‌هایی هستند که حتماً اتفاق خواهند افتاد و مشروط به شرایطی نیستند مانند: خروج یمانی و سفیانی و... (علی نوری، ۱۳۷۹: ص. ۱۱۰)؛ ۲. علائم غیرحتمی؛ نشانه‌هایی هستند که ممکن است برخی از آن‌ها اتفاق افتد و برخی نیافتد. بنابراین، قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام، شرایطی مهیا می‌شود. و نیز امر ظهور، به همراه علائم و نشانه‌هایی به وقوع خواهد پیوست تا مردم از این ظهور آگاهی یابند.

رجعت

واژه «رجعت» در لغت به معنای بازگشت است؛ یعنی برگشتن به جایی که پیشتر آن جا بوده است» (سلیمیان، ۱۳۸۸: ص. ۲۳۹؛ نیز ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ص. ۱۹۳). در اصطلاح عبارت است از: «برگشت جمعی از مؤمنان به دنیا پیش از قیامت در زمان قائم علیه السلام یا پیش از آن یا بعد از آن برای دیدار دولت حق و شادی از آن، و برای انتقام از دشمنان خود، و نیز رجوع جمعی از کافران و منافقان برای انتقام از آنان، و

این از عقاید مخصوص امامیه است (کلینی، بی تا: ج ۲، ص. ۸۲۹).

رجعت در دو مرحله زمانی اتفاق خواهد افتاد:

۱. مقارن با ظهور: در این مرحله گروهی از مردم، به هنگام ظهور حضرت، رجعت خواهند کرد. به همین مضمون امام صادق علیه السلام در روایتی اصحاب امام مهدی علیه السلام را چنین معرفی می کند:

... گروهی هستند که همراه قائم خارج می شوند و آنان فرماندهان، قاضیان، حاکمان شرع و فقیهان دین هستند... (کارگر، ۱۳۸۷: ص. ۲۷۸).

۲. هنگام رحلت امام زمان علیه السلام: این مرحله زمان بازگشتن ائمه علیهم السلام به دنیا است:

... ائمه علیهم السلام حکومت جهانی را که امام مهدی علیه السلام ایجاد می کند، به مدت طولانی اداره و ادامه می فرمایند (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۸: ص. ۲۵۱).

علاوه بر افراد نام برده شده در روایات، در بعضی از دعاها شیعیان، رجعت خود را از خداوند متعال می خواهند که یکی از این دعاها، دعای عهد است. بنابراین در زمان ظهور یا به هنگام وفات حضرت مهدی علیه السلام، عده ای از مؤمنان و کافران به دنیا برمی گردند. همچنین گروهی از پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام و عده ای از اصحاب باوفای آنان نیز رجعت خواهند نمود.

سوره کف و آموزه های مهدوی موجود در آن

سوره کف از جمله سوره هایی است که در آن سه داستان عجیب و باور نکردنی از شخصیت هایی مهم آورده شده و برخی از آموزه های مهدوی را درون خود جای داده است. در این سوره از شخصیت هایی چون اصحاب کف، حضرت خضر علیه السلام و ذوالقرنین نکات مهدوی بسیار زیبایی بیان شده است. غیبت و طول عمر افراد یاد شده و پنهان بودن مکان آنان و هم چنین رجعت و ظهور اصحاب کف و ذوالقرنین مطالب شگفت انگیزی است که در داستان های این سوره نمایش داده شده است.

۱. اصحاب کف

مسئله غیبت در اصحاب کف

بنابر آیات قرآن کریم، اصحاب کف گروهی بودند که به خاطر ننگ داشتن ایمان شان به غاری پناه بردند. و از خداوند متعال درخواست یاری نمودند. پروردگار جهانیان دعای

آنان را برآورده ساخت و به مدت سیصد و نه سال به خواب رفتند. برخی از آیاتی که به این مسئله اشاره دارند به قرار زیرند:

«أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا * إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا * فَضَرَبْنَا عَلَى آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا * وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا». براساس آیات مورد بحث، خداوند متعال دعای عده‌ای از افراد با ایمان را که در راه خدا، از آسایش و راحتی خود گذشتند و به غاری پناه بردند؛ قبول می‌کند. قبولی دعای این گروه با ایمان، برابر با غائب شدن آنها از دیدگان مردم است؛ به طوری که در مدت زمانی طولانی داستان آنها در نظر بسیاری از مردم به افسانه‌ای شباهت داشت که دور از اذهان مردم بود. غیبت طولانی اصحاب کهف، دلیلی بر غیبت طولانی امام مهدی علیه السلام است.

رجعت در بین اصحاب کهف

- «ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيِ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا». صاحب تفسیر قرآن مهر می‌نویسد: «چون خواب اصحاب کهف طولانی بود و این امر باعث شده بود تا خواب آن‌ها شبیه به مرگ باشد؛ به همین دلیل از کلمه برانگیختن استفاده شده است؛ زیرا بیدار شدن آنها شبیه به رستاخیز است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱۲، ص. ۱۹۵). کلمه حزب به معنی گروهی از مردم که در میانشان مقررات سخت و غلیظ باشد (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۱، ص. ۳۷۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱، ص. ۳۰۸؛ فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص. ۱۳۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص. ۳۸؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۲، ص. ۲۰۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص. ۲۳۱؛ مدنی شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۱، ص. ۳۹۶). علامه طباطبایی می‌نویسد: منظور از حزب، خود اصحاب کهف بودند که در مورد مدت خواب خود به بحث پرداختند (۱۳۷۴: ج ۱۳، ص. ۳۴۶).

- «وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا...». در این آیه دوباره از برانگیختن این گروه با ایمان سخن گفته شده است؛ مطلبی که در آیه قبل در مورد دو گروه شدن خود اصحاب غار درباره مدت خواب‌شان مطرح شد در این آیه به روشنی بیان می‌شود. با توجه به آیات مورد بحث، روشن می‌شود که اصحاب کهف به مدت سه قرن در خواب بودند. خوابی

که شبیه به مرگ، بود. پروردگار جهانیان این جوانمردان را بعد از مدتی طولانی از خواب بیدار می‌کند. بیدار شدن از چنین خواب طولانی، به مانند رجعت کردن در روز رستاخیز است. می‌توان گفت بیدار شدن این گروه، بعد از مدتی طولانی دلیلی بر رجعت گروهی از مردگان در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌باشد. پروردگار جهانیان با بیدار کردن این گروه، آموزه‌ی دیگری از مهدویت را در این داستان به نمایش گذاشته است.

عدم تغییر در قیافه ظاهری و لباس اصحاب کهف

صاحب تفسیر الکاشف بر این باور است که با گذشت چند صد سال از خواب این افراد، تغییری در لباس و جسم آن‌ها ایجاد نشده بود؛ زیرا اگر تغییری در ظاهر این افراد اتفاق می‌افتاد دیگر نمی‌گفتند: یک روز یا بخشی از یک روز را خوابیده‌ایم (ر.ک: مغنیه، ۱۳۷۸: ج ۵، ص. ۱۸۶). در هیچ یک از تفاسیر هم حرفی از پیر شدن این گروه، مطرح نشده است. این امر نشان دهنده آن است که گروهی با گذشت صدها سال از عمرشان در همان صورت‌های قبل از خوابشان بوده‌اند. پس می‌توان گفت که پیر نشدن اصحاب کهف در اثر گذر زمان، دلیلی بر پیر نشدن حضرت مهدی علیه السلام، با گذشت قرن‌های بسیار است.

ظهور اصحاب کهف

«...فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرُوا أَيُّهَا أَزْكَى طَعَاماً فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَ لِيَتَلَطَّفَ وَلَا يَشْعُرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا». نظرات در تفسیر این قسمت از آیه، تقریباً یکسان است. ما به نظر علامه بسنده می‌کنیم: «وقتی این جوانان بیدار شدند به شدت احساس گرسنگی کردند و تصمیم گرفتند یکی را از میان خود برای خرید طعام به شهر بفرستند. اما این فرد باید مواظب باشد تا شناخته نشود و مکان غار را هم برای مردم آشکار نکند. برای خرید غذا باید در حلال بودن آن دقت زیادی داشته باشد و در رفتار خود تقیه را فراموش نکند» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص. ۳۶۱).

از این آیه به روشنی در می‌یابیم که اصحاب غار، بعد از مدتی طولانی که در خواب بودند؛ با بیدار شدن از خواب و احساس گرسنگی، تصمیم گرفتند یکی را از بین خودشان برای تهیه کردن طعام به شهر بفرستند و این رفتن، مقدمه ظهور آنان در میان مردم بود. با ظاهر شدن این گروه، دوگانگی‌ای که میان مردم، در مورد معاد جسمانی وجود

داشت برطرف گردید. ظاهر شدن گروهی بعد از گذشت مدتی طولانی نشان می‌دهد که حتی اگر قرن‌ها از غایب شدن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بگذرد، روزی می‌رسد که در میان مردم ظاهر می‌شود و عدل و داد را در زمین برقرار می‌کند.

طول عمر اصحاب کهف

«وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا». قرآن کریم به صراحت بیان می‌کند که این جوانمردان به مدت سیصد و نه سال در خواب بودند و بعد از آن به اذن الهی و برای آشکار شدن قدرت پروردگار، زنده شدند و در میان مردم ظاهر گشتند تا نشانه‌ای از عظمت و قدرت الهی باشد و قلوب مردم نسبت به قیامت و رجعت بندگان مطمئن شود. به علاوه خوابی به طول سه قرن نشان می‌دهد که اگر خداوند متعال بخواهد فردی را به مدتی طولانی زنده نگه دارد حتماً نگه می‌دارد؛ چنان‌که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با وجود داشتن عمر طولانی، در حال حاضر زنده بوده و در قید حیات می‌باشند.

مخفی بودن مکان اصحاب کهف

«وَإِذِ اعْتَرِثْتُمُوهُمْ وَمَا يُغْبِوْنَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا». علامه طباطبایی آورده است که این جوانان به خاطر ترس از دست دادن جان‌شان، به غاری پناهنده شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۳۵۰). این امر نشان می‌دهد که مکان این افراد، دور از دسترس مردم و پادشاه زمان‌شان بوده است. علاوه بر این آیه مخفی بودن مکان اصحاب کهف را از آیات دیگری هم می‌توان فهمید. آیاتی مانند: «... وَلِيَتَلَطَّفَ وَلَا يَشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا...» و آیه «وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُغْلَبُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ...» نشان می‌دهد که مردم قبلاً به حال و اوضاع آن‌ها آگاهی نداشتند.

بنابراین داستان جوانان پناه برده به غار، نکات جالب و آموزه‌هایی از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در خود جای داده است؛ این جوانمردان، برای حفظ ایمان‌شان به غاری پناه بردند و از خانواده و اطرافیان‌شان غائب گشتند و این غیبت، به مدت سه قرن به طول انجامید. این امر نشان می‌دهد که اگر خواست الهی بر غائب کردن فرد یا گروهی باشد؛ حتماً تحقق می‌پذیرد. این مسئله در مورد صاحب‌الامر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز اتفاق افتاده است. مکان اصحاب کهف در این مدت، برای مردم مخفی بود، همان‌طور

که مکان حضرت مهدی علیه السلام بر ما مخفی است. همچنین بعد از غیبت طولانی، به اذن الهی دوباره از خوابی که در نظر مفسران شبیه به مرگ بود؛ بیدار شدند. شبیه به این اتفاق، بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز رخ می‌دهد که به رجعت، معروف است. امر ظهور، از دیگر مواردی است که در مورد این گروه از جوانمردان اتفاق افتاده است. همین امر برای صاحب الامر نیز جاری خواهد شد. طولانی بودن غیبت اصحاب کهف، نشان می‌دهد که غیبتی هزار و چند سال برای حضرت حجة بن الحسن رضی الله تعالی عنهما، امری طبیعی و تکرار شده در تاریخ زندگی آدمیان است. به علاوه چهره این گروه، بعد از سیصد سال به همان حالتی که قبل از خواب داشتند، بود. و این امری خارق العاده است که افرادی با عمر زیاد در چهره‌ای جوان باشند. همین امر دلیلی بر جوان بودن امام مهدی علیه السلام با گذشت قرن‌های بسیار است.

۲. حضرت خضر علیه السلام

حضرت خضر علیه السلام، یکی از اولیای الهی که برخی او را پیامبر نیز دانسته‌اند. نامش به صراحت در قرآن نیامده ولی براساس برخی احادیث او همان شخصی است که داستان موسی و خضر علیه السلام با او در سوره کهف آمده است. در این آیات خضر علیه السلام دارای علم لدنی توصیف شده است. در پاره‌ای از روایات، حضرت خضر علیه السلام را از نوادگان سام پسر نوح نبی دانسته‌اند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۹۱). حضرت خضر علیه السلام مثل حضرت عیسی علیه السلام زنده است و در کتاب‌های شیعه احادیث متعددی درباره شخصیت خضر علیه السلام، ماجرای دیدارش با حضرت موسی علیه السلام و نیز حضورش نزد حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امامان نقل شده است. مطابق روایات، او مونس امام عصر علیه السلام در زمان غیبت است؛ در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده که می‌فرماید:

حضرت خضر علیه السلام از آب حیات خورد، او زنده است و تا دمیده شدن صور از دنیا نمی‌رود، او پیش ما می‌آید و بر ما سلام می‌کند، ما صدایش را می‌شنویم و خودش را نمی‌بینیم، او در مراسم حج شرکت می‌کند و همه مناسک را انجام می‌دهد، در روز عرفة در سرزمین عرفات می‌ایستد و برای دعای مؤمنان آمین می‌گوید. خداوند به وسیله او در زمان غیبت، از قائم ما رفع غربت می‌کند و به وسیله او وحشتش را تبدیل به انس می‌کند (عراقی، ۱۳۸۴: ص ۱۵۸؛ نه‌اوندی، بی‌تا: ج ۴، ص ۵۵۶).

غیبت حضرت خضر علیهِ السلام

زندگی حضرت خضر علیهِ السلام به صورت پنهانی می‌گذرد، به طوری که مردم او را نمی‌شناسند. از مردم دستگیری می‌کند و به احوال مردم رسیدگی می‌نماید. در روایات به این امر اشاره شده است (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ص. ۲۳۱). غایب بودن حضرت خضر علیهِ السلام دلیلی بر غیبت حضرت مهدی علیهِ السلام از انظار مردم است. وجود امر غیبت طولانی برای حضرت خضر علیهِ السلام به طوری که مدت غیبت این نبی الهی بیشتر از امام مهدی علیهِ السلام است، تأییدی بر غیبت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه‌ه می‌باشد.

طول عمر حضرت خضر علیهِ السلام

طول عمر حضرت خضر علیهِ السلام بنا بر برخی منابع به شش هزار سال می‌رسد (سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۱، ص. ۲۴۱). در روایتی از امام رضا علیهِ السلام آمده است که فرمودند:

إِنَّ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ شَرِبَ مِنْ مَاءِ الْحَيَاةِ فَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ حَتَّى يَنْفَخَ فِي الصُّورِ... (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۲، ص. ۳۹۰).

در تفسیر نمونه در ذیل آیه ﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ (کهف: ۶۵)؛ آمده که یکی از مصادیق رحمتی که از نزد خداوند به حضرت خضر علیهِ السلام داده شده است همان طولانی بودن عمر ایشان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۲، ص. ۴۸۶؛ نیز ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ۳۰۲). زنده نگه داشتن فردی به مدت هزاران سال با قدرت الهی امکان‌پذیر است. بر این اساس زنده بودن حضرت مهدی علیهِ السلام به مدت طولانی در مقابل عظمت پروردگار جهانیان، امری آسان و پذیرفتنی است.

مخفی بودن مکان حضرت خضر علیهِ السلام

محل زندگی حضرت خضر علیهِ السلام از مردم مخفی و پوشیده است. و زمانی که از مردم دستگیری می‌کند مردم او را نمی‌شناسند و فکر می‌کنند که او «زاهد» است (طوسی، ۱۳۸۷: ص. ۲۴۸). برخی از مردم بعد از جدا شدن از آن حضرت ایشان را می‌شناسند. در تفسیر طبری آمده است که مردم حضرت خضر علیهِ السلام را نمی‌شناسند مگر افرادی که خود حضرت بخواهد تا ایشان را بشناسند (طبری، ۱۳۵۶: ج ۴، ۹۴۸). حضرت خضر علیهِ السلام از دید مردم پنهان بود به طوری که حضرت موسی علیهِ السلام نیز این پیامبر الهی را نمی‌شناخت و از مکانش آگاهی نداشت (اوسطی، ۱۳۸۶: ص. ۱۴۳). وقتی مردم حضرت را شناسند در

نتیجه مکان زندگی ایشان را نیز نخواهند شناخت. بنابراین می توان گفت که مخفی بودن مکان ایشان دلیلی بر پنهان بودن محل زندگی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشريف است.

۳. ذوالقرنین

یکی دیگر از داستان های عجیب سوره کهف، مربوط به ذوالقرنین است. در مورد این مرد، نظرات متفاوتی وجود دارد؛ برخی او را پادشاه می دانند و برخی پیامبر و عده ای فرشته و برخی هم بنده صالح خداوند (ر.ک: قرائتی، ج ۱، ص. ۶۰۷؛ بن دینار، ۱۴۲۰ق: ص. ۲۴۱؛ بن سلیمان، ۱۴۲۳ق: ج ۲، ص. ۵۹۹؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص. ۳۵۹؛ طبری، ۱۳۵۶: ج ۲، ص. ۳۵۹؛ طبرانی، ۲۰۰۸م: ج ۴، ص. ۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص. ۵۱۳؛ صنعانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص. ۳۴۳؛ تمیمی، ۱۴۲۵ق: ج ۱، ص. ۲۰۵؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق: ج ۵، ص. ۹۶؛ ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج ۲، ص. ۳۹۴؛ اربلی، ۱۴۲۱ق: ج ۲، ص. ۱۰۲۱؛ طبرسی، ۱۳۹۰: ص. ۴۴۰).

غیبت ذوالقرنین

با استفاده از آیات قرآن کریم نمی توانیم به غیبت ذوالقرنین اشاره کنیم. اما از آن جا که در کنار قرآن کریم، روایات وجود دارند می توانیم به این امر برسیم که ذوالقرنین، دارای غیبت بوده است. روایات، در مورد غیبت ایشان، به دو دسته تقسیم می شوند. قسمتی از این روایات بر این امر دلالت دارند که او بعد از ضربت خوردن، به مدتی طولانی از مردم خود غائب شد. برای نمونه رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

همانا ذوالقرنین بنده صالحی بود که خداوند او را حجت بر بندگانش قرار داد. پس قومش را به خدا دعوت کرد و به رعایت کردن تقوا امر نمود. پس ضربتی بر قرنش زدند و مدتی طولانی غایب شد تا این که گفته شد مرد (طبرسی، ۱۳۸۱: ج ۱، ص. ۵۱۳).

برخی دیگر از روایات نشان دهنده مرگ ذوالقرنین، بعد از ضربت خوردن است. مانند روایت ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی که از امیرالمؤمنین علیه السلام روایات کرده است که فرمود:

گفته شد ذوالقرنین چه کسی بود؟ فرمود: مردی بود که برانگیخت او را خداوند به سوی قومش. پس تکذیب کردند او را و بر قرنش زدند پس مرد. سپس خداوند او را زنده کرد، پس فرستاد او را به سوی قومش، پس تکذیب کردند او را و زدند بر قرن

دیگرش پس مرد. سپس خداوند او را زنده کرد. پس او ذوالقرنین است برای آن که زده شد بر دو قرنش (حلی، ۱۳۷۹: ص. ۴۷۹؛ و نیز ر.ک: فتاوی، ۱۴۲۷ق: ص. ۶۷۴).

هر کدام از این روایات را قبول داشته باشیم؛ در هر صورت این عبد صالح خداوند مدتی از بین مردمان خود دور بوده و کسی از جای او خبری نداشته است. این غیبت، به قدری طولانی بود که حتی گفته شده مرده است. با این حساب، می‌توان غیبت طولانی حضرت مهدی علیه السلام را به راحتی قبول نمود.

طول عمر ذوالقرنین

در قرآن کریم به طول عمر ذوالقرنین اشاره‌ای نشده است. اما در تفاسیر، ذیل آیات مربوط به ماجرای وی مطالبی در مورد مدت زمان عمر او آمده است. صاحب تفسیر جامع می‌نویسد:

یکی از دلایلی که این مرد را ذوالقرنین نامیده‌اند، این است که به مدت دو قرن زندگی کرده است (بروجردی، ۱۳۶۶: ج ۴، ص. ۲۱۸).

در منابع مختلفی عمر ذوالقرنین را «سه هزار سال» (سلیمان، ۱۴۲۷ق: ص. ۱۳۳؛ همو، ۱۳۸۶: ج ۱، ص. ۲۵۷؛ صافی، ۱۳۸۶: ص. ۲۱۷) ذکر کرده‌اند. در تفسیر علی بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام آمده است:

ذوالقرنین دو بار به سوی قومش مبعوث گردید. و هر بار با ضربه‌ای که بر سمت راست و چپ سرش فرود آمد، مدت هزار سال قبض روح شد اما او در سومین بار بر شرق و غرب کره زمین سیطره یافت (جزائری، ۱۳۸۰: ۲۵۳).

این امر نشان می‌دهد که در گذشته نیز افرادی زندگی می‌کردند که دارای عمری طولانی بودند. با این مطالب وجود امامی با طول عمر هزار و چند سال، امری غیرعادی نبوده بلکه عادی و تکرار شده می‌باشد.

رجعت ذوالقرنین

در منابعی بر این مطلب تصریح شده است که ذوالقرنین دو بار مرد و به اذن الهی زنده شد. در تفسیر قمی آمده است که ذوالقرنین بعد از آن که قومش بر قرنش زدند و مرد بعد از پانصد سال دوباره زنده شد. و بار دیگر بر قرن دیگرش زدند و باز به مدت پانصد سال مرد و به اذن الهی زنده شد (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص. ۴۰). در داستان ذوالقرنین

غیبت، رجعت و طول عمر زیاد مطرح شده است که همه آنها در تعالیم اسلام و تفکر شیعی در باره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق پیدا کرده و یا تحقق خواهد کرد.

میزان شباهت شخصیت‌های مطرح شده در سوره کف با بحث مهدویت

برخی از شخصیت‌های مطرح شده در داستان‌های این سوره، علاوه بر این که آموزه‌های مهدوی را ثابت می‌کنند شباهتی نیز میان آنان وجود دارد که بر زیبایی این سوره افزوده است. در این جا مورد اخیر را بیشتر می‌کاویم.

۱. شباهت اصحاب کف

میان اصحاب کف و حضرت مهدی علیه السلام شباهت‌هایی چند وجود دارد:

۱. افرادی مأمور به کشتن آنها بودند: قطب راوندی می‌گوید: زمانی که اصحاب کف به خاطر نگره داشتن ایمان‌شان به غاری پناه بردند، افراد دقیانوس به دنبال آنان رفته و مکان‌شان را پیدا کردند. این افراد برای دستگیر کردن و یا کشتن این گروه با ایمان رفته بودند اما با مشاهده کردن صحنه وحشتناکی که با قدرت خداوندی در غار، حاکم بود. به وحشت افتاده و از آنجا خارج شدند. شبیه به همین اتفاق برای حضرت مهدی علیه السلام نیز رخ داده است (ر.ک: قطب راوندی، بی تا: ص. ۶۴۸).

۲. چهره جوان با گذشت زمان طولانی: بنابر آیات قرآن کریم و تفاسیر موجود، اصحاب کف، با گذشت چند صد سال از عمرشان، با همان قیافه‌هایی که قبل از خوابیدن طولانی داشتند بیدار شدند. در مورد حضرت مهدی علیه السلام نیز جوان بودن چهره، با وجود سن بالا صادق است. در روایات به این امر تصریح شده است (سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۱، ص. ۱۲۸).

۳. برابری تعداد سال‌های خواب اصحاب کف با تعداد سال‌های سلطنت حضرت: در روایاتی تعداد سال‌های سلطنت امام مهدی علیه السلام را برابر با تعداد سال‌های خواب اصحاب کف می‌دانند (ر.ک: میرلوحی سبزواری، ۱۴۲۶ق: ص. ۶۸۱).

۲. شباهت حضرت خضر علیه السلام

۱. هر دو مأمور به علم باطن هستند: انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام از علم خداوندی برخوردار هستند و حضرت خضر علیه السلام نیز از این علم بهره‌مند است. چنان که بزرگان به

این تصریح دارند (ر.ک: قرائتی، ۱۳۸۸: ص. ۲۰۱). به همین دلیل خداوند در سوره کهف می‌فرماید: «عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا». پس علم حضرت خضر علیه السلام از طرف پروردگار است. براساس روایات، علم به باطن برای حضرت مهدی علیه السلام نیز وجود دارد (ر.ک: اصفهانی، ۱۳۸۷: ج. ۱، ص. ۱۲۸).

۲. به هر کجا پا می‌نهند سبز می‌شود: امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

خضر علیه السلام از پیامبران مرسل بود و بر هیچ زمین سوخته یا شاخه‌ای خشک نمی‌نشست مگر آن‌که از آن مکان گیاهی سبز شروع به رویش می‌کرد (جزائری، ۱۳۸۰: ص. ۴۲۲).

برای حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین وصفی وجود دارد. چنان‌که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

... زمین آباد و به وسیله مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خرم و سرسبز می‌شود. فتنه‌ها از بین می‌رود و خیر و برکت فراوان می‌گردد (کارگر، ۱۳۸۷: ص. ۲۶۰).

و نیز فرمود:

... هر جا پا می‌گذارد سرسبز است و درحالی‌که زینت او بر سرش است هیچ (انسان) و درنده‌ای مزاحم او نمی‌شود (مؤسسه آینده روشن، ۱۳۸۶: ج. ۳، ص. ۲۰۶).

۳. هر سال در مراسم حج شرکت می‌کنند: حضرت خضر علیه السلام در میان مردم حضور می‌یابد. مردم را می‌شناسد ولی مردم او را نمی‌شناسند. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: حضرت خضر علیه السلام ... همه ساله در موسم حج شرکت می‌کند و مراسم حج را انجام می‌دهد... (سلیمان، ۱۳۸۶: ج. ۱، ص. ۲۳۰).

همچنین است حضور حضرت مهدی علیه السلام در میان مردم (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۰: ج. ۲، ص. ۱۷۰).

۴. وجه کارهای شان دیر آشکار می‌شود: براساس آیات سوره کهف، حضرت خضر علیه السلام کارهایی غیرعادی انجام داد که تحمل آن‌ها برای حضرت موسی علیه السلام دشوار بود. و به همین دلیل دائم اعتراض می‌کرد. وقتی لحظه فراق این دو پیامبر خدا فرا رسید؛ حضرت خضر علیه السلام علت کارهای خود را برای حضرت موسی علیه السلام بیان کرد. و وجه کارهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بعد از ظهور، آشکار خواهد شد که در روایات به آن اشاره شده است (ابن بابویه، ۱۳۵۹: ج. ۲، ص. ۴۸۱).

۵. فردسازی: داستان حضرت موسی علیه السلام و خضر علیه السلام داستان استاد و دانشجوست. حضرت خضر علیه السلام به آموختن مطالبی به حضرت موسی علیه السلام پرداخت. حضرت مهدی علیه السلام نیز که در غیبت به سر می برد به فرد سازی می پردازد. این امام غائب، با این که غائب است اما بسیاری از امور را به صورت ناشناس انجام می دهد (قنبری، ۱۳۸۵: ص. ۸۹).

۶. پنهان و ناشناس بودن: در حال حاضر حضرت خضر علیه السلام به صورت ناشناس در بین مردم زندگی و رفت و آمد می کند. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به صورت مخفی و ناشناس در بین مردم رفت و آمد می کند و کسی ایشان را نمی شناسد. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: ... او در زمان غیبت در میان مردمان و پوشیده از آنها زندگی می کند که اثرشناس جای پای او را نمی بیند، اگر چه با دیده دقت در آن بنگرد (سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۱، ص. ۲۲۳).

۷. عمر طولانی: حضرت خضر علیه السلام از قرن ها پیش تا به امروز در قید حیات هستند و براساس تفاسیر قرآن کریم از آب حیات نوشیده اند و تا زمان ظهور صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز زنده خواهند بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تعالی ... طول عمر خضر را دلیل بر طول عمر او قرار داد (عراقی، ۱۳۸۴: ص. ۱۰۷).

۸. به هر شکل که بخواهند در می آیند: در مکیال المکارم آمده است که خداوند متعال به حضرت خضر علیه السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قدرت و نیرویی داده است تا به هر شکل که بخواهند در بیایند (اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱، ص. ۲۳۳).

۹. بدون دریافت مزد دستگیری می کنند: در تفسیر طبری آمده است که حضرت خضر علیه السلام مسئولیت دریاها را بر عهده دارد «خضر پیغمبر و الیاس هر دو در حیاتند، یکی حافظ بر و دیگری حافظ بحر است» (شوشتری، ۱۴۰۹: ج ۲۹، ص. ۶۴۸)، به طوری که اگر کسی در حال غرق شدن در دریا باشد و هنوز زمان مرگش نرسیده باشد؛ حضرت خضر علیه السلام به اذن خداوند متعال آن شخص را نجات می دهد و کشتی هایی را که راهشان را گم می کنند؛ راهنمایی می کند ولی کسی ایشان را نمی شناسد (ر.ک: طبری، ۱۳۵۶: ج ۴، ص. ۹۴۸). این نبی الهی برای تعمیر کردن دیواری که متعلق به دو یتیم بود؛ مزدی دریافت نکرد. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز برای دستگیری هایی که انجام می دهد،

مزدی دریافت نمی‌کند.

۱۰. همه کارهای شان به اذن الهی است: حضرت خضر علیه السلام که دارای علم به باطن بود، همه کارهای خود را به اذن الهی انجام می‌داد. و می‌فرمود «...وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي...» (کهف: ۸۲). حضرت حجت علیه السلام نیز همه کارهای خود را به اذن الهی انجام می‌دهد. همان‌طور که امام کاظم علیه السلام فرمودند:

قلب‌های ما، ظرف خواست خداوند است. اگر او بخواهد، ما می‌خواهیم و خداوند می‌فرماید: «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (قمی، ۱۳۶۳: ج ۲، ص. ۴۰۹).

۱۱. به هر دو الهام می‌شود: در سخنان بزرگان هست که یکی از راه‌های علم ائمه علیهم السلام فرشتگان هستند که افرادی مانند حضرت خضر علیه السلام و ذوالقرنین نیز از این نعمت الهی بهره‌مند بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ج ۹، ص. ۱۲۳). این مطلب نشان می‌دهد که هم حضرت خضر علیه السلام و هم امام مهدی علیه السلام از الهام خداوندی بهره‌مند بودند. در قرآن کریم خداوند متعال از علم خاصی که به حضرت خضر علیه السلام عنایت کرده است، سخن می‌گوید که «...وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» (کهف: ۶۵).

۳. شباهت حضرت موسی علیه السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف

این دو در موارد متعددی بهم شبیه‌اند:

۱. فرار به خاطر ترس از جان: ماجرای فرار حضرت موسی علیه السلام در سوره قصص، آیات ۱۵-۲۱ به روشنی بیان شده است که به خاطر ترس از کشته شدن به دست فرعونیان از شهر خارج شد. حضرت مهدی علیه السلام نیز بعد از ظهور، به خاطر ترس از جان خویش از شهر خارج خواهد شد. در روایات به این امر تصریح شده است (ر.ک: سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۲، ص. ۱۱۱).

۲. سیمای هر دو شبیه هم است: این شباهت در روایتی از امام رضا علیه السلام به خوبی دیده می‌شود (سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۱، ص. ۱۲۸).

خداوند متعال کار هر دو را در یک شب فراهم می‌کند (سلیمان، ۱۳۸۶: ج ۱، ص. ۵۲۷).

۳. تولد پنهانی: در قرآن کریم به ولادت حضرت موسی علیه السلام و نحوه حفظ مخفیانه او اشاره شده است و مفسران در این باره بحث کرده‌اند. از جمله در کشف‌الأسرار این

داستان مفصل آمده است (ر.ک: میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۶، ص. ۱۲۱). ولادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مخفیانه بوده است.

۴. غیبت هر دو: صاحب کمال الدین آورده است که حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از آن که به اذن الهی به مدت سی شب برای عبادت پروردگار جهانیان، به میقات رفت؛ بعد از سی شب اذن برگشتن به ایشان داده نشد و تا چهل شب به طول انجامید. این غیبت کوتاه مدت حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. در روایتی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است که فرمود: در امام قائم سنتی از موسی بن عمران است، گفتم: سنت موسی بن عمران چه بود؟ فرمود: خفاء مولد و غیبتش از قومش ... (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ج ۲، ص. ۱۳).

این غیبت بیست و هشت سال، غیبت طولانی حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می رود. غیبت های این پیامبر الهی شباهت بسیاری به دو غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

۴. شباهت ذوالقرنین

میان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ذوالقرنین شباهت هایی وجود دارد که برخی از این شباهت ها در زمان غیبت حضرت آشکار می شوند و برخی دیگر بعد از ظهور ایشان روشن خواهند شد.

۱. هیچ یک پیغمبر نیستند: در مورد ذوالقرنین، دو احتمال وجود دارد؛ در احتمال اول معتقدان، روایاتی را که در مورد پیغمبر بودن ذوالقرنین وجود دارد قبول می کنند. استاد قرائتی در تفسیر خود می نویسد:

ذوالقرنین پیامبر بود ... همچنین در قرآن کریم، مورد خطاب الهی واقع شده است ... و این نشان می دهد که این مرد الهی، پیامبر بوده است (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۵، ص. ۲۱۹-۲۱۷).

همچنین امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

هیچ يك از انبياء بعد از نوح به مقام پادشاهی نرسیدند مگر چهار نفر از آنها که عبارتند از: ذوالقرنین ... داود، سلیمان و یوسف (جزائری، ۱۳۸۰: ص. ۲۵۴).

و نیز در روایتی از امام کاظم عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است که فرمودند:

... ذوالقرنین که سی سال حکومت کرد در سن دوازده سالگی ردای پیامبری را بر دوش افکند (جزائری، ۱۳۸۰: ص. ۵۱۴).

در احتمال دوم: معتقدان، بر این باور هستند که ذوالقرنین، بنده صالحی بود که خداوند را بسیار دوست می‌داشت و خداوند متعال نیز این بنده را دوست می‌داشت. علامه طباطبایی می‌نویسد که منظور از «قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ»؛ این نیست که ذوالقرنین، پیامبری بود که به وی وحی می‌شد. بلکه ممکن است وحی الهی از طریق پیامبری که در جوار این عبد صالح، زندگی می‌کرد، به این مرد با خدا می‌رسید. یا این که این جمله در معنای الهام قلبی است که برای غیر پیامبران نیز وجود داشته است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص. ۴۹۹). در روایاتی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام رسیده است نیز این مطلب تأیید می‌شود (ر.ک: جزائری، ۱۳۸۰: ص. ۴۲۸). بنابر احتمال دوم، شباهت ایشان با امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف مورد توجه خواهد بود.

۲. هر دو غیبتی طولانی دارند: ذوالقرنین بعد از آن که از طرف قوم خود مورد اذیت و آزار جسمی شدید قرار گرفت، مدتی طولانی از میان آنان رفت و امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز از قرن‌ها پیش در پس پرده غیبت به سر می‌برد.

۳. گسترده‌گی حکومت هر دو: براساس روایاتی که از امامان معصومین علیهم‌السلام به دست ما رسیده است «او همانند حضرت سلیمان و ذوالقرنین بر همه روی زمین فرمانروایی می‌کند» (مهدی‌پور، ۱۳۸۰: ص. ۱۰۷). این مطلب را اهل سنت نیز تأیید می‌کنند؛ قرطبی روایت می‌کند که «جميع کسانی که جهانگیر شدند چهار نفرند ... و به زودی از امت اسلام پنجمین نفر، حاکم سراسر زمین می‌شود و او مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است» (رحمتی شهرضا، ۱۳۸۷: ص. ۵۹). روایات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد (ر.ک: خراسانی، ۱۳۸۸: ص. ۳۴۰).

۴. خداوند هر دو را به آسمان‌ها بالا برد: براساس روایات، هم ذوالقرنین به آسمان رفته است و هم حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف خواهد رفت (ر.ک: نهاوندی، بی‌تا: ج ۱، ص. ۱۶۴).

۵. هر دو بر ابر سوار می‌شوند: ذوالقرنین بنده صالحی بود که توانایی رفتن به نقاط دور دست را داشت و می‌توانست مسافت‌های طولانی را پیماید (ر.ک: صنعانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص. ۳۴۳). به همین منظور روایتی از امام باقر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است که فرمود:

ذوالقرنین میان دو ابر مخیر شد: یکی ابر رام و دیگری، ناآرام، و او ابر رام را برای خود برگزید و ابر ناآرام را برای صاحب شما نگه داشت... (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۷: ص. ۳۰۴).

۶. به هر دو الهام می‌شود: ائمه معصومین علیهم‌السلام از الهام الهی بهره‌مند بودند. به همین منظور عمار ساباطی گوید:

به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: ائمه چه مقامی دارند؟ فرمود: مانند مقام ذی‌القرنین و یوشع و آصف همدم سلیمان، گوید: (گفتم) به چه حکم می‌کنید؟ فرمود: به حکم خدا و حکم آل داود و حکم محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و آن را روح القدس بما القاء می‌کند (کلینی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۴۹).

۷. کارهای خارق‌العاده انجام می‌دهند: بنابر برخی روایات ذوالقرنین به خواست الهی کارهایی خارق‌العاده انجام می‌داد. کارهایی مانند: توان و قدرت سدسازی، قدرت و توانایی گسترده در زمین، حل مشکلات و نجات مردم و در اختیار داشتن وسیله‌ای خاص برای هر حرکت، هدف و سفرش (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۳: ج ۲۲، ص ۳۹۴-۳۹۳؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۲۱۹ و ۲۳۳). از امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز کرامات زیادی در زمان غیبت نقل شده است، مانند: شفا دادن بیماران و برطرف کردن مشکلات نیازمندان، خبر دادن از غیب، فریادرسی در بحرین و... (ر.ک: طوسی، ۱۳۸۷: ص ۵۰۰). و برخی دیگر از کرامات حضرت مهدی علیه‌السلام بعد از ظهور روشن خواهد شد، همان‌طور که در روایات بدان تصریح شده است (ر.ک: طبسی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۳).

۸. بدون دریافت مزد دستگیری می‌کنند: علامه طباطبایی براساس آیات قرآن می‌نویسد: قومی به ذوالقرنین پیشنهاد گرفتن اجرت دادند تا میان آنان و قوم یأجوج و مأجوج سدی محکم بنا نماید، اما این عبد الهی از گرفتن آن امتناع نمود و گفت: آن مکنتی که خدا به من داده، و آن وسعت و قدرت که خدا به من ارزانی داشته، از مالی که شما وعده می‌دهید بهتر است، و من به آن احتیاج ندارم (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۵۰۳).

دستگیری بدون دریافت اجرت توسط حضرت مهدی علیه‌السلام در شباهت حضرت خضر علیه‌السلام گذشت.

۹. کارهایشان به اذن الهی است: استاد قرائتی می‌نویسد: ذوالقرنین، مجری دستورهای الهی بود (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۵، ص ۲۲۰).

علامه طباطبایی نیز آورده است که ذوالقرنین گفت: ساختن سد نعمتی از جانب پروردگار من بود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۳، ص ۵۰۶). در مورد حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نیز در قسمت حضرت خضر علیه‌السلام گذشت.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی روابط ساختاری و محتوایی سوره کهف و آموزه‌های مهدویت، نشان می‌دهد که این سوره نه تنها مجموعه‌ای از داستان‌های نمادین، بلکه چارچوبی قرآنی برای درک عمیق‌تر مفاهیم مهدوی مانند غیبت، انتظار، ظهور و رجعت است. هر یک از سه داستان اصلی سوره (اصحاب کهف، موسی و خضر، ذوالقرنین) به شکلی رمزآلود، الگوهای متناظری برای دوران غیبت و ظهور ارائه می‌دهند؛ اصحاب کهف با غیبت طولانی، بیداری معجزه‌آسا و حفظ ایمان در فتنه‌ها، نویدبخش ظهور نهایی هستند. موسی علیه السلام و خضر علیه السلام با تأکید بر هدایت ویژه الهی، تسلیم در برابر حکمت غیبی و نقش ولایت پنهان، چراغ راه درک فلسفه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اند. ذوالقرنین نیز با مبارزه نظام‌مند با استکبار، بنای تمدن عدل محور و گسترش حاکمیت الهی، الگویی برای حکومت جهانی مهدوی است. این سوره از این منظر، یک پارادایم زنده قرآنی است که با پیوند ناگسستنی قرآن و عترت، هم تبیین‌گر آموزه‌های مهدوی است و هم معیارهای رفتاری جامعه منتظر را ترسیم می‌کند. این خوانش تطبیقی، غنای معنایی سوره را آشکار ساخته و آن را به منشوری برای فلسفه انتظار تبدیل می‌کند که مؤمنان را به عمل در خفا، تسلیم در برابر اراده الهی و جهاد در مسیر اصلاح جهان فرامی‌خواند.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، علی بن حسین. (۱۳۵۹ش)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ابن بابویه، علی بن حسین. (۱۳۸۰). متن و ترجمه *کمال الدین و تمام النعمة*، ترجمه: منصور پهلوان، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، بیروت: دارالفکر.
- ابن اثیر جزری، مبارک. (۱۳۶۷). *النهاية فی غریب الحديث والأثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- اشکوری، محمد. (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*، تهران: دفتر نشر داد.

- اصفهانی، محمدتقی. (۱۳۸۷). *مکیال المکارم*، ترجمه: مهدی حائری قزوینی، قم: مسجد مقدس جمکران.
- اصفهانی، محمدتقی. (۱۴۲۸ق). *مکیال المکارم*، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام.
- آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- بحرانی، هاشم. (۱۳۷۴). *البرهان*، قم: مؤسسه بعثت.
- بروجردی، محمد ابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*، تهران: کتابخانه صدر.
- بلاغی، صدرالدین. (۱۳۸۱). *قصص قرآن*، تهران: امیرکبیر.
- جبران، مسعود. (۱۳۸۳). *الرائد*، ترجمه: رضا انزابی نژاد، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- جزائری، نعمت الله. (۱۳۸۰). *داستان پیامبران یا قصه های قرآن از آدم تا خاتم*، تهران: انتشارات هاد.
- جفری، آرتور. (۱۳۸۵). *واژه های دخیل در قرآن مجید*، تهران: توس.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). *الایقان من الهجعة*، ترجمه: احمد جنتی، تهران: نوید.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- حسینی همدانی، محمد. (۱۴۰۴ق). *انوار درخشان*، تهران: لطفی.
- حلی، حسن. (۱۳۷۹). *مختصر البصائر*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
- خراسانی، محمدجواد. (۱۳۸۸). *مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه*، مشهد مقدس: نورالکتاب و ضامن آهو.

- راغب أصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۴). *مفردات*، ترجمه و تحقیق: غلام‌رضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی.
- راغب أصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم/الدار الشامیة.
- رحمتی شهرضا، محمد. (۱۳۸۷). *هزار و یک نکته پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم: مسجد مقدس جمکران.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- رضوانی، علی اصغر. (۱۳۸۸). *موعودشناسی و پاسخ به شبهات*، قم: مسجد مقدس جمکران.
- رضوی، رسول. (۱۳۸۴). *امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
- رهنما، زین‌العابدین. (۱۳۵۴). *قرآن مجید با ترجمه و جمع‌آوری تفسیر*، تهران: سازمان اوقاف.
- سلیمان، کامل. (۱۳۸۶). *روزگارهای*، ترجمه: علی اکبر مهدی‌پور، تهران: نشر آفاق.
- سلیمان، کامل. (۱۴۲۷ق). *يوم الخلاص فی ظل القائم المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف*، قم: دارالمجتبی.
- سلیمیان، خدامراد. (۱۳۸۵). *پیرسمان مهدویت*، قم: شباب الجنه.
- سلیمیان، خدامراد. (۱۳۸۸). *فرهنگ نامه مهدویت*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). *تفسیر السمرقندی*، بیروت: دارالفکر.
- سند، محمد. (۱۴۲۹ق). *دعوی السفارة فی الغیبة الكبرى*، قم: بقية العترة.
- شبر، عبدالله. (۱۴۱۰ق). *تفسیر القرآن الکریم*، قم: مؤسسه دارالهجرة.

- شوشتری، نور الله . (۱۴۰۹ق). *إحقاق الحق وإزهاق الباطل*، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه.
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۸۶). *نوید امن وامان*، تهران: دفتر تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.
- صدر، محمد. (۱۳۸۴). *تاریخ پس از ظهور*، تهران: موعود عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- صمدی، قنبرعلی. (۱۳۹۴). *رجعت در قرآن و روایات*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف.
- صنعانی، عبدالرزاق. (۱۴۱۱ق). *تفسیر القرآن العزیز*، بیروت: دارالمعرفة.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). *المیزان*، ترجمه: محمد باقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۱۳۸۱). *الإحتجاج*، ترجمه: بهراد جعفری، تهران: اسلامیه.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر*، اربد: دارالکتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان*، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۵). *جوامع الجامع*، ترجمه: علی عبدالحمیدی و دیگران، مشهد: آستان قدس.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۰ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۶). *تفسیر طبری*، ترجمه: حبیب یغمایی، تهران: توس.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۸۶). *نشانه های از دولت موعود*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان*، بیروت: دارالمعرفة.

- طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*، تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). *الغیبة*، ترجمه: مجتبی عزیزی، قم: مسجد مقدس جمکران.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۵ق). *الغیبة*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- عراقی، محمود. (۱۳۸۴). *دارالسلام در احوال حضرت مهدی علیّه السلام*، قم: مسجد مقدس جمکران.
- علی نوری، علیرضا. (۱۳۷۹). *امامت حضرت مهدی علیّه السلام در اعتقاد ما*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- عمیدی، ثامر هاشم حبیب. (۱۳۸۷). *در انتظار ققنوس*، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
- فتلاوی، مهدی حمد. (۱۴۲۷ق). *نهج الخلاص*، بغداد: مكتبة الشهاب الثقاب.
- فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰م). *معانی القرآن*، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- فیومی، أحمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *المصباح المنیر*، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قطب راوندی، سعید. (بی تا). *جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام*، ترجمه: غلامحسن محرمی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳). *تفسیر القمی*، قم: دارالکتاب.
- قنبری، آیت. (۱۳۸۵). *آینده جهان در نگاه ادیان*، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا). *أصول الکافی*، ترجمه: جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- کارگر، رحیم. (۱۳۸۷). *آینده جهان*، قم: مرکز تخصصی مهدویت.

- کاشانی، فتح‌الله. (۱۳۳۶). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی علمی.
- کاظمی، مصطفی بن ابراهیم. (۱۴۲۸ق). *بشارة الإسلام فی علامات المهدي عليه السلام*، بیروت: مؤسسة البلاغ.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (بی تا). *أصول الکافی*، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، قم: اسوه.
- لوئیس، معلوف. (۱۳۸۶). *المنجد*، ترجمه: مصطفی رحیمی نیا، تهران: صبا.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ق). *مرآة العقول*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- مجلسی، محمد باقر. (بی تا). *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مدنی شیرازی، علی خان بن أحمد. (۱۳۸۴). *الطراز الأول والکناز لما علیه من لغة العرب المعول*، مشهد: مؤسسة آل البيت .
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۳۷۸). *تفسیر کاشف*، ترجمه: موسی دانش، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه .
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*، قم: دارالکتاب الإسلامية.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). *پیام قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- موسوی نسب، جعفر. (۱۳۸۶). *دویست پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف*، تهران: فرهنگ منهاج.
- مهدی پور، علی اکبر. (۱۳۸۸). *پژوهه مهدوی*، قم: رسالت.
- مؤسسه آینده روشن. (۱۳۸۸). *مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت با*

رویکرد سیاسی و حقوقی، قم: جامعة المصطفی العالمية.

- میبیدی، احمد بن محمد... (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدة الایار، تهران: امیرکبیر.

- میرلوحی سبزواری، محمد بن محمد... (۱۴۲۶ق). کفایة المهتدی فی معرفة المهتدی علیه السلام،

قم: دارالتفسیر.

- نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۲). الغیة، ترجمه: احمد فهري، تهران: دارالکتب

الإسلامیة.

- نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق). الغیة. تهران: مكتبة الصدوق.

- نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۳۸۴). نجم ثاقب در احوال امام غائب علیه السلام، قم: مسجد

مقدس جمکران.

- نهاوندی، علی اکبر. (۱۳۸۶). العبقري الحسان، قم: مسجد مقدس جمکران.

- هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۳). فرهنگ قرآن، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه علمیه قم.